

فضیلت استغفار

و

درمان مشکلات و بیماری‌ها با آن

مؤلف: حسن بن احمد بن حسن همام

مترجم: پدram اندایش

ای پروردگار!

یا رب إن عظمت ذنوبی كثرة
فلقد علمت بأن عفوک أعظم
إن کان لا یرجوک إلا محسن
فبمن یلوذ ویستجیر المجرم
مالی إلیک وسیلة إلا الرضا
وجمیل عفوک ثم أنى مسلم

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله. مطلبی مختصر است درباره‌ی فضیلت‌های استغفار و اثرات آن بر زندگی دنیا و آخرت. هر آنچه خود مفصل است در این کتاب آمده است و چیزی به آن اضافه نمی‌کنم.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله است که با عزت و بسیار آمرزنده می‌باشد؛ دستش را در روز باز می‌کند تا کسی که در شب بدی کرده است، توبه نماید و دستش را در شب باز می‌نماید تا کسی که در روز بدی کرده است، توبه نماید. او را به علت زیادی بخشش و نعمت دادنش و بزرگ بودن عطا کردنش و احسان نمودنش، شکر و ستایش می‌نمایم و صلوات و سلام بر پیامبر برگزیده‌اش و فرستاده‌ی انتخاب شده‌اش محمد و بر آل و اصحابش تا روز قیامت، و اما بعد:

الله U به بندگانش در بسیاری از آیات کتاب گرامی‌اش، امر فرموده است تا توبه و استغفار (طلب آمرزش) نمایند و خود را غفار و غفور (بسیار آمرزنده) و غافر الذنوب (آمرزنده‌ی گناهان) نامیده است و کسانی که طلب آمرزش می‌نمایند را ستایش نموده است و به آنها وعده‌ی ثوابی زیاد داده است. الله U از طلب آمرزش کننده‌ی راستگو راضی می‌شود؛ زیرا او به گناهش اعتراف می‌کند و در پیشگاه پروردگار و خالقش خود را ذلیل می‌نماید؛ طلب آمرزش داروی سودمند و علاج نجات دهنده از گناهان و خطاها است؛ ای کسی که دچار اضطراب هستی و غم تو را فرا گرفته است و اندوه تو را عذاب می‌دهد، بر توست که استغفار نمایی؛ زیرا آن ابر مشکلات را پراکنده می‌کند و ابرهای غم را از بین می‌برد و آن مرهم شفا دهنده و داروی کافی می‌باشد، و در اثر آمده است: «هرگز الله به بنده‌ای استغفار را الهام نمی‌کند و در کنار آن بخواهد او را عذاب دهد».

بر توست ای برادر! تا این مطلب را که درباره‌ی استغفار است مطالعه کنی تا بر راهی قرار گیریم که الله تعالی ما را از کسانی قرار دهد که وقتی نیکی می‌کنند، شاد می‌شوند و وقتی بدی می‌کنند، طلب استغفار می‌نمایند و الحمد لله رب العالمین.

تعریف استغفار

استغفار مصدری از استغفر یستغفر می‌باشد و سه حرف اصلی آن «غفر» است، چیزی که بر پوشاندن دلالت می‌کند و الغفر پوشانندگی است و غفران به همان معنا است، گفته می‌شود، الله تعالی گناه او را آمرزید و مغفراً و غفراناً. راغب گفته است: الغفر پوشیدن چیزی است که از ناپاکی حفظ می‌کند و از آن این است که گفته می‌شود: «اغفر ثوبک فی الدعاء» (قلبت را با دعا حفظ کن)، و الغفران و المغفرة است و استغفار طلب آن با سخن و عمل است و گفته می‌شود: «اغفروا هذا الأمر بمغفرتة» به معنای آن است که آن را پوشان با چیزی که پوشاندن آن واجب است.

«الغفور» و «الغفار» و «الغافر» از اسمهای نیک الله تعالی است و معنای آن پوشاننده‌ی گناهان بندگان و در گذشتن از خطاها و گناهان آنها می‌باشد.

غزالی گفته است: «الغفار» کسی است که زیبایی را آشکار می‌نماید و زشتی را می‌پوشاند و گناهان از زشتی‌هایی می‌باشند که در دنیا پوشیده می‌شوند و در آخرت از مجازات برای آنها صرف نظر می‌شود.

خطابی گفته است: «الغفار» کسی است که گناهان بندگان را دفعه‌ای بعد از دفعه‌ای دیگر می‌آمرزد و هر بار که توبه تکرار می‌شود، آمرزش نیز تکرار می‌شود. «الغفار» پوشاننده‌ی گناهان بندگان با لباس عطوفت و مهربانی است، امر بنده‌اش را برای مخلوقاتش آشکار نمی‌کند و با چیزهای پوشیده‌ی او، او را مورد بی‌حرمتی قرار نمی‌دهد و با مجازاتی که نزد مردم مشهور است او را عذاب نمی‌دهد.

حقیقت استغفار و اسباب آن

انسان از روی طبیعت بشری‌اش از خطا و انجام گناه معصوم نمی‌باشد، همچنین دشمنان او زیاد می‌باشند: از آنها نفسی است که بین پهلوهایش قرار دارد و او را به بدی امر می‌کند و آن را برایش زینت می‌دهد: {إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي} (نفس بسیاری امر کننده به بدی است مگر کسی که مورد رحمت پروردگارش قرار بگیرد). از آنها شیطان است: دشمنی است که انسان را به کارهایی دعوت می‌کند که باعث هلاکت وی می‌شود. از آنها هوای اوست: از راه الله تعالی باز می‌دارد. از آنها دنیا با فریب‌ها و زیورآلاتش است. معصوم کسی است که الله تعالی او را حفظ کند و ما را از غفلت و سستی در اطاعت و کوتاهی از امر الله تعالی نهی می‌کند؛ به همین دلیل پیامبر ۳ در حدیثی که ابوهریره t آورده است، گفته است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ لَمْ تُذْنِبُوا لَذَهَبَ اللَّهُ بِكُمْ وَلَجَاءَ بِقَوْمٍ يُذُنُّونَ فَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ»¹ (قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگر گناه نکنید، الله شما را می‌برد و قومی را می‌آورد که گناه می‌کنند و طلب استغفار می‌نمایند و او آنها را می‌آمرزد).

در جایی دیگر فرموده است: «كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَاءٌ وَخَيْرُ الْخَطَائِينَ التَّوَّابُونَ»² (تمامی بنی آدم بسیار خطاکار می‌باشند و بهترین خطاکاران کسانی هستند که بیشتر و شدیدتر توبه می‌نمایند). اما در اینجا مسأله‌ای وجود دارد و گریزی نیست که باید از آن آگاهی صورت گیرد و آن این است که عده‌ی زیادی از مردم اعتقاد دارند که استغفار با زبان است، فردی از آنان است که می‌گوید: «استغفر الله» (از الله طلب آمرزش می‌نمایم)... سپس اثری از این کلمات در قلب وجود ندارد، همان گونه که می‌بینیم که اثری بر اعضای بدن ندارند، این گونه استغفار نمودن عمل دروغگویان است.

فضیل بن عیاض رحمة الله گفته است: «استغفاری که با خودداری از گناه همراه نباشد، توبه‌ی بسیار دروغگویان است». یکی از صالحان می‌گفت: «استغفار ما نیاز به استغفار دارد» به معنای آن که استغفار صورت می‌گیرد ولی گناه ترک نمی‌شود، در این صورت است که خود استغفار کردن نیاز به استغفار دارد. در حقیقت استغفارمان بنگریم تا از کسانی نباشیم که از روی دروغ با زبانشان استغفار می‌کنند و این در حالی است که به گناه ادامه می‌دهند.

استغفار خصوصیتی برای مؤمن است

وقتی ابراهیم u با پدرش بحث می‌نمود و او را به سوی توحید دعوت می‌داد، پدرش با بدترین برخورد با او برخورد می‌نمود، در این سخن او تأمل کنیم: {لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِلْأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا} (3) (اگر تمامی نکنی تو را قطعاً سنگسار می‌کنم و از نزد من

¹ - صحیح مسلم 7141. (مترجم)

² - سنن ابن ماجه 4251 و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است. (مترجم)

(3) سورة مريم، الآیة: 46.

به مدت زیادی دور شو!)، اگر به این سخن توجه کنیم می بینیم که بعد از عبارات با عاطفه‌ای است که ابراهیم **ا** آنها را بیان نمود. وقتی ابراهیم این سخن را از پدرش شنید: {لَأَرْجُمَنَّكَ} (تو را سنگسار می‌کنم) با او به مانند وی با بدی برخورد نمود، بلکه اولین چیزی که به ذهنش رسید آن بود که برای وی طلب استغفار نماید: {قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا} (1)

(گفت: سلامتی بر تو! برای تو از پروردگارم استغفار می‌نمایم، او در حق من مهربان است).

اولین چیزی که به فکر ابراهیم **ا** رسید این بود که برای وی طلب استغفار نماید و این استغفار به طمع هدایت وی بود، به همین دلیل الله تعالی می‌فرماید: {وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ} (2) (و طلب استغفار ابراهیم، برای پدرش دلیلی نداشت، مگر برای وعده‌ای که به او داده بود، ولی وقتی که برای او روشن شد که او دشمن الله است، از وی بیزاری جست، همانا ابراهیم بسیار دست به دعا برنده [و] بسیار صبور بود).

درست این است که برای مشرکان استغفار صورت نگیرد و آن خصوصیتی فقط برای مؤمنان است، الله تعالی بر آن تأکید نموده و می‌فرماید: {مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ} (3) (برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند جایز نیست تا برای مشرکان طلب استغفار کنند، حتی اگر از نزدیکان باشند، و این امر بعد از آن باشد که برای آنها (مسلمانان) روشن شد که آنها (مشرکان) اهل جهنم هستند).

ابوهریره **ت** آورده است که رسول الله **ص** فرمود: «اسْتَأذَنْتُ رَبِّي أَنْ أَسْتَغْفِرَ لِأُمَّي فَلََمْ يَأْذَنْ لِي وَاسْتَأذَنْتُهُ أَنْ أُزُورَ قَبْرَهَا فَأَذِنَ لِي» (4) (از الله اجازه خواستم تا برای مادرم طلب آمرزش نمایم، او به من اجازه نداد و از او اجازه خواستم تا به دیدار [قبرش] بروم و به من اجازه داد).

در صحیح بخاری (بخاری) از سعید بن مسیب از پدرش آمده است که وقتی مرگ ابوطالب نزدیک شد، پیامبر **ص** نزد او رفت و این در حالی بود که ابوجهل نزد او بود، فرمود: «أَيُّ عَمِّ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمَةٌ أَحَاجُّ لَكَ بِهَا عِنْدَ اللَّهِ» (ای عمو! بگو هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود ندارد، این سخنی است که آن را برای تو نزد الله حجت قرار می‌دهم)، أبو جهل و عبد الله بن ابی امیة گفتند: ای ابوطالب آیا از ملت عبد المطلب خارج می‌شوی؟ همچنان سخن خود را ادامه دادند تا آن که آخرین چیزی که او گفت، این بود: «من بر ملت عبد المطلب هستم، پیامبر **ص** فرمود: {لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ مَا لَمْ أَنْهَ عَنْهُ} (برای تو طلب استغفار می‌نمایم که از آن نهی نشده‌ام). در این حال این آیه نازل شد: {مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ} (5) (برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند جایز نیست تا برای مشرکان طلب استغفار کنند، حتی اگر از نزدیکان باشند، و این امر بعد از آن باشد که برای آنها (مسلمانان) روشن شد که آنها (مشرکان) اهل جهنم هستند) و همچنین نازل شد: {إِنَّكَ لَا

(1) سورة مريم، الآية: 47.

(2) سورة التوبة، الآية: 114.

(3) سورة التوبة، الآية: 113.

(4) صحیح مسلم، کتاب الجنائز باب استئذان **ص** برقم: 1621.

(5) سورة التوبة، الآية: 113.

تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ⁽¹⁾ (تو کسی را که دوست داشته باشی هدایت نمی‌کنی ولی الله هر که را بخواهد هدایت می‌نماید و او به هدایت یافتگان آگاه‌ترین است)⁽²⁾.

درباره‌ی منافقان این آیه را قرائت می‌کنیم: {اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ}⁽³⁾ (برای آنها طلب آمرزش نمایی یا طلب آمرزش ننمایی، اگر برای آنها هفتاد بار طلب آمرزش نمایی، الله آنها را نمی‌آمرزد، این از برای آن است که به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید).

درباره‌ی آن، حدیث ابن عمر رضی الله عنهما وجود دارد که امام بخاری (بخاری) آن را روایت کرده و آورده است: وقتی عبد الله بن اُبی وفات نمود، پسرش نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! لباست را بده تا او را در آن کفن کنم و برای او نماز میت بخوان و طلب استغفار نما! پیامبر ﷺ لباس خود را به او داد و فرمود: «أَذِنِي أُصَلِّيَ عَلَيْهِ» (آیا اجازه می‌دهی تا بر وی نماز [میت] بخوانم) و به او اجازه داد، وقتی خواست تا نماز بخواند، عمر t او را کشید و به او گفت: «آیا الله تو را نهی نفرموده است که بر منافقان نماز [میت] نخوانی؟» او فرمود: «أَنَا بَيْنَ خَيْرَتَيْنِ» (به من بین آن دو [استغفار کردن و استغفار نکردن] اختیار داده شده است، می‌فرماید: {اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ} (برای آنها طلب استغفار نمایی یا طلب استغفار ننمایی اگر برای آنها هفتاد بار طلب استغفار نمایی، الله آنها را نمی‌آمرزد، این از برای آن است که به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و الله گروه فاسقان را هدایت نمی‌نماید). در نتیجه برای او نماز [میت] خواند و این آیه نازل شد: {وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ}⁽⁴⁾ (هرگز بر کسی از آنها که مُرد نماز [میت] نخوان و بر قبر او نایست، زیرا آنها به الله و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و در حالی مردند که کافر بودند)⁽⁵⁾.

بر این اساس گفته می‌شود: استغفار چیزی است که الله تعالی آن را مخصوص مؤمنان قرار داده است و برای بقیه‌ی مردم جایز نمی‌باشد و آن را فقط برای آنها انتخاب نموده است. وقتی این گونه است آیا شایسته می‌باشد که از این نعمت محافظت نکنیم و از آن در آخرت و دنیای خود استفاده نکنیم.

در مقابل آن پیامبر ﷺ برای مؤمنان طلب استغفار می‌نمود. ابوهریره t گفته است: رسول الله ﷺ روزی که پادشاه حبشه نجاشی وفات نمود، ما را از وفات او باخبر ساخت و فرمود: «اَسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ» (برای برادران طلب آمرزش نمایید!)⁽⁶⁾.

برای کسانی که [در پایان حج و عمره] سرشان را می‌تراشند، سه بار طلب آمرزش نمود و برای کسانی که [در این حالت] موی خود را کوتاه می‌کنند، یکبار استغفار کرد و مطالب در این باره بسیار است.

حتی برای کودکان!! بله رسول الله ﷺ برای کودکان نیز استغفار می‌نمود، در مسند از ابو ایاس آمده است: پدرم در حالی که

(1) سورة القصص، الآية: 56.

(2) صحيح بخاری (بخاری) كتاب المناقب، باب قصة أبي طالب رقم: 3595.

(3) سورة التوبة، الآية: 80.

(4) سورة التوبة، الآية: 84.

5 - صحيح بخاری (بخاری) 1269. (مترجم)

(6) بخاری (بخاری)، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنائز بالمصلى والمسجدة، رقم: 412.

پسر بچه‌ای بود، نزد پیامبر ﷺ رفت و پیامبر ﷺ بر سر او دست کشید و برای او استغفار نمود⁽¹⁾.

سخنان پیشینیان درباره‌ی استغفار

ابو موسی **t** گفته است: «دو امان از عذاب برای ما وجود داشت، یکی از آنان رفت که همان وجود رسول ﷺ بین ما بود و [دیگری] استغفار است که با ما باقی مانده است و اگر برود، هلاک می‌شویم»⁽²⁾.

ربیع بن خثیم گفته است: به سوی پروردگارتان زاری نمایید و او را در حالت ثروتمندی بخوانید، الله فرموده است: «کسی که در حالت ثروتمندی مرا بخواند در حالت سختی او را اجابت می‌کنم و کسی که از من درخواست کند به او می‌دهم و کسی که برای من تواضع نماید، او را بالا می‌برم و کسی که خود را وقف من نماید او را رحمت می‌کنم و کسی که از من استغفار نماید او را می‌آمرزم»⁽³⁾.

از سهل درباره‌ی استغفاری که گناهان را پاک می‌کند سوال شد، او گفت: «اول استغفار استجابت است سپس بازگشت سپس توبه می‌باشد؛ استجابت عمل اعضای بدن است و بازگشت عمل قلب و توبه روی برگرداندن به سوی مولی و ترک مخلوقات است، سپس باید استغفار از الله برای کوتاهی که صورت گرفته است، انجام پذیرد»⁽⁴⁾.

ابن جوزی گفته است: «ابلیس گفت: بنی آدم را با گناهان هلاک می‌کنم و آنها مرا با استغفار و گفتن {لا إله إلا الله} هلاک می‌کنند، وقتی آن را در بین آنها دیدم هوای آنها را بر آنان مسلط می‌کنم، در نتیجه گناه می‌کنند و طلب استغفار نمی‌نمایند، زیرا آنها می‌پندارند که عمل نیکی انجام می‌دهند»⁽⁵⁾.

قتاده رحمة الله گفته است: «قرآن شما را به بیماری تان و درماتان راهنمایی می‌نماید، بیماری شما گناهان می‌باشد و داروی شما طلب استغفار است».

علی کرم الله وجهه گفته است: «عجیب است که کسی هلاک شود و نجات همراه او باشد» گفتند: و آن [نجات] چیست؟ گفت: «طلب استغفار».

وی **t** می‌گفت: «این طور نیست که الله سبحانه و تعالی به بنده‌ای استغفار را الهام کند و بخواهد او را عذاب دهد». یکی از صالحان گفته است: «بنده بین گناه و نعمت قرار دارد و چیزی آن دو را اصلاح نمی‌کند، مگر شکر و استغفار». روایت شده است که لقمان **u** به پسرش می‌گفت: «برای الله زمانهایی وجود دارد که [در آن زمانها] درخواست کننده چیزی نمی‌خواهد و این در حالی باشد که او آن [درخواست] را رد کند، پس طلب استغفار را زیاد کن».

عایشه رضی الله عنها گفته است: «طوبی برای کسی است که در پرونده‌ی اعمالش طلب استغفار زیاد وجود داشته باشد».

(1) سنن الإمام أحمد، رقم: 15661. شیخ شعيب الارنؤوط گفته است: اسناد آن صحیح و رجال آن رجال شیخین هستند. (مترجم)

(2) التوبة إلى الله از غزالی.

(3) منهاج الصالحين (951).

(4) التوبة إلى الله از غزالی.

(5) مفتاح دار السعادة از ابن القيم.

أبو المنهال گفته است: «همسایه‌ای برای بنده در قبر دوست داشتنی‌تر از طلب استغفار وجود ندارد».

حسن بصری می‌گفت: «در خانه‌هایتان استغفار را زیاد کنید و [همچنین] در سر سفره و در راه‌هایتان و در بازارهایتان و در مجالستان؛ زیرا شما نمی‌دانید که چه زمان مغفرت نازل می‌شود؟».

یک بادیه نشین می‌گفت: «کسی که می‌خواهد در زمین ما همسایه‌ی ما شود، طلب استغفار خود را زیاد کند، زیرا طلب استغفار القطار است» و قطار ابری است که دارای باران زیاد است.

بکر بن عبد الله مزنی گفته است: «شما زیاد گناه می‌کنید، در نتیجه استغفار کردن خود را زیاد کنید! شخصی که در پرونده‌ی اعمالش در بین هر دو سطری، استغفار وجود داشته باشد در آن مکان، خوشحال خواهد شد».

ابن تیمیه رحمة الله گفته است: «هر مسأله‌ای که مرا دچار مشکل می‌کند، هزار بار طلب استغفار می‌کنم تا این که سینه‌ام گشایش پیدا کند و مشکلی که برایم ایجاد شده است، از بین برود، چه در بازار یا مسجد یا مدرسه باشم، هیچکدام مرا از یاد [الله تعالی] و استغفار باز نمی‌دارد تا این که به هدفم برسم».

الفاظی که با آن طلب استغفار صورت می‌گیرد

در اینجا الفاظی وجود دارد که در احادیث صحیح از پیامبر ﷺ روایت شده است و شایسته مسلمان است که آنان را بگوید، و در این عمل اقتدای خود را به پیامبر ﷺ زیاد کند، از این الفاظ: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»⁽¹⁾ (پروردگارا! مرا بیامرزش! و توبه‌ی مرا بپذیر! همانا تو بسیار توبه پذیر [و] دائماً رحمت کننده هستی).

از آنها: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»⁽²⁾ (از الله طلب آمرزش می‌نمایم کسی که هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز او وجود ندارد، زنده و برپا و برپا دارنده است و به سوی او توبه می‌نمایم).

از آنها: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»⁽³⁾ (از الله طلب آمرزش می‌نمایم و به سوی او توبه می‌نمایم).

از آنها سید استغفار است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»⁽⁴⁾ (یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من بر عهد تو و وعده‌ی تو هستم تا آنجا که بتوانم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام داده‌ام، به نعمتی که من داده‌ای اقرار می‌کنم و به گناهم اقرار می‌نمایم، در نتیجه مرا بیامرزش، همانا گناهان را کسی نمی‌آمرزد، مگر تو).

این الفاظی است که از پیامبر ﷺ در احادیث صحیح ذکر شده است، وقتی الفاظ دیگری وجود دارد که شخص را به این معناها می‌رساند، ایرادی وجود ندارد که با آن الفاظ طلب آمرزش نماید، ولی بهتر است از اذکاری تبعیت شود که سینه به سینه از پیامبر ﷺ به ما رسیده است.

(1) رواه البخاری (بخاری).

(2) رواه أبو داود و الترمذی و الحاكم وقال حديث صحيح على شرط البخاري ومسلم.

(3) متفق عليه.

(4) رواه مسلم.

گذری کوتاه بر سید استغفار

شَدَّاد بن اُوس t آورده است که پیامبر r فرمود: «سَيِّدُ الْاِسْتِغْفَارِ اَنْ تَقُوْلَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِيْ وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَلٰى عَهْدِكَ وَاَوْعَدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاَبُوْءُ لَكَ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ» (سید استغفار این است که بگویی: یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده‌ی تو هستم و من بر عهد تو و وعده‌ی تو هستم تا آنجا که بتوانم، به تو پناه می‌برم از شر آنچه انجام داده‌ام، به نعمتی که من داده‌ای اقرار می‌کنم و به گناهم اقرار می‌نمایم، در نتیجه مرا بیامرز، همانا گناهان را کسی نمی‌آمرزد، مگر تو) و فرمود: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ اَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ اَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ» (کسی که آن را با یقین در روز بگوید و در آن روز بمیرد قبل از آن که شب شود او از اهل بهشت خواهد بود و کسی که آنرا با یقین در شام بگوید و قبل از آن که صبح برسد، بمیرد، او از اهل بهشت خواهد بود)⁽¹⁾.

پیامبر r این دعا را سید استغفار نامید و همان طور که در قبل آمد الفاظ دیگری برای استغفار وجود دارد، ولی پیامبر r این دعا را «سید الاستغفار» نامید، با تأمل در الفاظی که در این حدیث آمده است، معانی را می‌یابیم که بدین شرح می‌باشد:

- «اللهم أنت ربی»: اقرار به توحید ربوبیت² الله U است.
 - «لا إله إلا أنت»: اقرار به توحید الوهیت³ الله U است.
 - «خلقتنی وأنا عبدک»: اقراری از طرف بنده است که بیان عبودیت و خواری و خشوع در برابر الله U می‌باشد.
 - «وَأَنَا عَلٰى عَهْدِكَ وَاَوْعَدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ»: اقراری از طرف بنده است به التزام داشتن به راه مستقیم و منهج پروردگار جهانیان به اندازه‌ی توانش و کوشش خود را معطوف آن ساختن.
 - «أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ»: پناه بردن بنده و در قلعه‌ی الله تعالی قرار گرفتن از تمامی شرّها و مجازاتهای گناه و گناهایی که انجام پذیرفته است.
 - «وَأَبُوْ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ»: اقرار و اعتراف بنده به نعمتهایی که الله تعالی به او عطا فرموده است و همچنین بخشش و کرم الله تعالی به بنده‌اش با انواع بسیاری از نعمت که قابل شمارش نیستند.
 - «وَأَبُوْ ذَنْبِيْ»: اعتراف و اقرار بنده به گناهانش، چه گناه خاصی باشد و چه عموم گناهان.
 - «فَاغْفِرْ لِيْ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ»: طلب آمرزش از الله U و خواری نمودن در پیشگاهش می‌باشد.
- با نگرستن در آنچه از استغفار که در این معانی بزرگ وجود دارد، می‌فهمیم که چرا پیامبر r آن را «سید الاستغفار» نامید.

(1) رواه البخاری (بخاری).

2- توحید ربوبیت: توحید پروردگار بودن است که شامل پادشاهی، خلقت و تدبیر می‌باشد. (مترجم)

3- توحید الوهیت: توحید در پرستش و بندگی است. (مترجم)

حالتها و زمانهایی که استغفار در آن مستحب است

طلب استغفار در هر زمانی مشروع است ولی در اینجا زمانها و حالتهاى مخصوصی را بیان می‌داریم که استغفار نمودن در آنها فضیلت بیشتری دارد، این زمانها:

بعد از فارغ شدن از انجام عبادت‌ها:

استغفار در این حالت مستحب است از بیم آن که در انجام آن عبادات کوتاهی و خللی صورت پذیرفته باشد، الله **U** می‌فرماید: {ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (1) (سپس از جایی که مردم باز می‌گردند، باز گردید و از الله طلب آمرزش نمایید که الله بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است).

این آیه‌ی گرامی در قرآن مخصوص حج بعد از طواف افاضه می‌باشد؛ در اینجا استغفار آمده است تا برای آن که اگر خللی در عبادت و یا کوتاهی در انجام آن صورت گرفته باشد، از آن طلب استغفار صورت گیرد.

همان گونه که در دین بعد از نمازهای پنجگانه آمده است و پیامبر **P** وقتی نمازهای فرض (واجب) را بجا می‌آورد بعد از آن سه بار طلب استغفار می‌نمود؛ این برای کوتاهی است که بنده در نماز به علت غفلت یا سهواً دچار آن شده است و در نتیجه برای آن طلب استغفار می‌نماید.

استغفار در سحر:

الله **U** بندگانش را که در این وقت مبارک از او طلب استغفار می‌کنند را ستایش نموده و می‌فرماید: {الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ} (2) (صبرکنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و طلب استغفار کنندگان در سحرها).

همچنین الله **U** می‌فرماید: {كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} (3) (آنان اندکی از شب را می‌خوابیدند * و در سحرها طلب استغفار می‌نمودند).

در تفسیر سخن الله **U** که از یعقوب **U** حکایت کرده است، آمده است:

{قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ} (4) (گفت: «برای شما از پروردگارم طلب استغفار می‌نمایم و او بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است)، به این معنا که او استغفار را به تأخیر انداخت تا وقت سحر (5)، سبب فضیلت این وقت این است که الله **U** در آن دعا را مستجاب می‌نماید و به کسی که درخواستی داشته باشد، عطا می‌نماید و طلب استغفار کننده را می‌آمرزد.

ابوهریره **t** آورده است که رسول الله **P** فرمود: «يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ وَمَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» (6) (پروردگار ما هر شب وقتی یک سوم آخر آن باقی مانده است،

(1) سورة البقرة، الآية: 199.

(2) سورة آل عمران، الآية: 17.

(3) سورة الذاريات، الآيتان: 17، 18.

(4) سورة يوسف، الآية: 98.

(5) نگاه شود به تفسیر ابن کثیر، تفسیر آیه: 97 سورة يوسف.

(6) رواه البخاری (بخاری)، الفتح: 7494/13، مسلم: (758) و لفظ برای او می‌باشد.

به آسمان دنیا نزول می‌کند و می‌فرماید: چه کسی از من دعا می‌کند، پس [دعای] او را مستجاب می‌کنم و چه کسی از من درخواستی دارد، پس به او عطا می‌نمایم و چه کسی از من طلب استغفار می‌نماید، پس او را می‌آمزم.

خالد بن معدان گفته است: «الله U می‌فرماید، دوست داشتنی‌ترین بندگانم نزد من کسانی هستند که از روی دوست داشتن من، همدیگر را دوست دارند و قلبهایشان متعلق به مساجد است و در سحرها طلب استغفار می‌نمایند»⁽¹⁾.

در پایان مجالس:

آن وقتی است که انسان در مجلسی خاص همراه برادران یا در مجتمعات یا در سرکارش قرار دارد صورت می‌گیرد، زیرا عایشه رضی الله عنها گفته است: پیامبر ۳ از مجلسی بلند نمی‌شد مگر آن که می‌فرمود: «سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ ثُمَّ أَتُوبُ إِلَيْكَ» (پاک و منزّه هستی پروردگار ما و تو را حمد گفته، هیچ پرستش شونده‌ی برحق جز تو وجود دارد، از تو طلب آمرزش می‌نمایم [و] سپس به سوی تو توبه می‌نمایم)، گفتم: ای رسول الله! چرا زیاد این کلمات را هنگام بلند شدن [از مجلس] بیان می‌فرمایی؟ فرمود: «لا يقولهن من أحد يقوم من مجلسه! إلا غفر له ما كان منه في ذلك المجلس» (کسی این [ذکر] را هنگام بلند شدن از مجلسی نمی‌گوید، مگر آن که آنچه در آن مجلس انجام داده است، آمرزیده می‌شود)⁽²⁾.

این فرصت بزرگی است و مسلمان نباید در آن غفلت داشته باشد، مخصوصاً در مجالس ما که سخن زیاد گفته می‌شود و انسان در مسائلی وارد می‌شود که الله تعالی به آن آگاه است.

طلب استغفار برای مُردگان:

پیامبر ۳ وقتی از دفن میت فارغ می‌شد، بر کنار آن ایستاده و می‌فرمود: «اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ التَّثْبِيتَ فَإِنَّهُ الْآنَ يُسْأَلُ»⁽³⁾ (برای برادران طلب استغفار نمایید و [از الله تعالی] درخواست نمایید که او را ثابت گرداند، زیرا اکنون از او سوال می‌شود). چه کسی از میت در این حالت سخت بیشتر به استغفار و طلب مغفرت از الله U نیاز دارد؛ به همین دلیل پیامبر ۳ وقتی بر سر قبر آنان می‌رفت بر قبر آنها ایستاده و برای آنان طلب آمرزش می‌فرمود.

استغفار ملائک

ملائک مخلوقی از مخلوقات الله U می‌باشند که الله تعالی آنان را از نور آفریده است، همان گونه که در حدیث آمده است: «خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ»⁴ (ملائک از نور خلق شده‌اند و جن‌ها از سر شعله‌ی آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شد).

ملائک همان گونه که الله U آنان را توصیف نموده است می‌باشند: {لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} (5) (از الله در

(1) إحياء علوم الدين از غزالی: ص 313.

(2) رواه الحاكم (497.466/1) وقال حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه ووافقه الذهبي.

(3) رواه أبو داود.

4 - صحيح مسلم 7687. (مترجم)

(5) سورة التحريم، الآية: 6.

آنچه به آنها امر فرموده است، نافرمانی نمی‌کنند و آنچه که به آنها امر می‌شود را انجام می‌دهند). همچنین: {يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ} [الأنبياء: 20] (شب و روز تسبیح می‌گویند [و] سستی نمی‌ورزند). آنها مخلوقات گرامی می‌باشند که در قرآن آمده است که طلب استغفار می‌نمایند، ولی برای چه کسی طلب استغفار می‌نمایند؟ آنان برای اهل زمین طلب استغفار می‌کنند و مخصوصاً برای مؤمنان آنها. استغفار ملائک این است که از الله **U** برای بندگانش طلب استغفار می‌نمایند تا خطاهای آنان را بی‌آمرزد و از بدی‌های آنها درگذرد، الله **U** در کتاب گرامی‌اش می‌فرماید: {تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} (1) (نزدیک است که آسمانها بالای آنها در هم بشکافد و ملائک پروردگارش را تسبیح می‌کنند و حمد می‌نمایند و برای کسانی که بر روی زمین هستند، طلب استغفار می‌نمایند، آگاه باشید که الله بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است). الله **U** می‌فرماید: {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ} (2) (کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که در اطراف آن هستند: پروردگارش را تسبیح و حمد گفته و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب استغفار می‌نمایند، [و] می‌گویند: پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است، پس کسانی که توبه نموده‌اند و از راهت تبعیت می‌کنند را بیامرز و آنان را از عذاب آتش جهنم حفظ بفرما!).

همچنین حال دیگری که ملائک برای بنده طلب استغفار می‌نمایند، وقتی است که بنده در مسجد می‌باشد و در انتظار نماز است. این زمان، زمان انتظار است و از زمانهای شریفی می‌باشد که برای او ثواب نوشته می‌شود و به الله **U** تقرب می‌یابد و ملائک برای او طلب استغفار می‌نمایند و برای او دعا می‌کنند. از ابوهیره **t** آمده است که رسول الله **r** فرمود: «الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ مَا لَمْ يُحْدِثْ» (3) (ملائک بر شخصی از شما صلوات می‌فرستند تا زمانی که در نمازخانه‌اش نماز می‌خواند، می‌گویند: یا الله او را بیامرز! یا الله! او را رحمت کن! [و این تا زمانی صورت می‌گیرد] که سخن نگوید).

استغفار پیامبران صلوات الله وسلامه عليهم

پیامبران و رسولان، برگزیدگان الله **U** در بین مخلوقات هستند و آنان با حفظ شدنی توسط الله **U** معصوم می‌باشند و با وجود مکانت و منزلت و ارزششان در نزد پروردگارش و با وجود آن که معصوم بودند، با زاری نمودن به طرف پروردگارش دعا می‌نمودند و به طمع آمرزش پروردگارش، طلب استغفار می‌کردند.

الله **U** درباره‌ی پدر و مادر انسانها علیهما السلام می‌فرماید: {قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (4) (آن دو گفتند: پروردگارا! به خودمان ظلم نمودیم و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود).

الله **U** درباره‌ی نوح **U** می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ

(1) سورة الشورى، الآية: 5.

(2) سورة غافر، الآية: 7.

(3) متفق عليه.

(4) سورة الأعراف، الآية: 23.

الْخَاسِرِينَ»⁽¹⁾ (گفت: پروردگارا! به تو پناه می‌برم که از تو چیزی را بخواهم که به آن علمی ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود).

همچنین می‌فرماید: {رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا} (2) (پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و مؤمنی که وارد خانه‌ی من می‌شود و مؤمنان مرد و زن را بیامرز و برای ظالمان چیزی را نیافزا، مگر هلاکت آنها را).

الله U درباره‌ی پیامبرش ابراهیم U می‌فرماید: {وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ} (3) (و [الله تعالی] کسی است که طمع دارم که خطای مرا در روز قیامت بیامرزد).

الله U درباره‌ی پیامبرش داود U می‌فرماید: {فَاسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ} (4) (پس از پروردگارش طلب استغفار نمود و به رکوع افتاد و توبه نمود).

الله U درباره‌ی پیامبرش سلیمان U می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ} (5) (گفت: پروردگارا! مرا بیامرز! و به من پادشاهی بده که شایسته‌ی احدی بعد از من نباشد، همانا تو بسیار بخشنده هستی).

الله U درباره‌ی پیامبرش موسی U می‌فرماید: {قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ} (6) (گفت: پروردگارا! به خودم ظلم نمودم، پس مرا بیامرز! در نتیجه او را آمرزید، همانا او بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است).

این حال پیامبران صلوات الله وسلامه عليهم است، پس وضع ما چگونه است؟ ما در کجای طلب استغفار هستیم؟

استغفار پیامبر ۳

امری که معلوم است این است که پیامبر ۳ بهترین بشر و برترین پیامبران بود، الله او را برگزید و انتخاب نمود و یاد او را رفیع ساخت و منزلت او را بالا برد و گناهان قبل و بعدش را آمرزید، ولی با تمامی شرف بزرگ و عطا نمودن زیاد او از پروردگارش طلب آمرزش می‌کرد و به سوی او توبه می‌نمود و برای فرمان برداری از این امر الله U به سوی وی زاری می‌نمود: {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا} (7) (پس تسبیح و حمد پروردگارت را انجام بده و از او طلب استغفار کن که او بسیار توبه پذیر است).

همچنین این سخن الله تعالی: {وَاسْتَغْفِرْ لَذَنْبِكَ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمُنَوِّكُمْ} (8) (برای گناهت و برای مؤمنان

(1) سورة هود، الآية: 47.

(2) سورة نوح، الآية: 28.

(3) سورة الشعراء، الآية: 82.

(4) سورة ص، الآية: 24.

(5) سورة ص، الآية: 35.

(6) سورة القصص، الآية: 16.

(7) سورة النصر، الآية: 3.

(8) سورة محمد، الآية: 19.

مرد و زن طلب آمرزش کن! و الله گردشگاه و قرارگاهتان را می‌داند).

أغرّ مزنی **t** آورده است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ»⁽¹⁾ (آن اضطرابی بر قلب من است و من در روز صدبار طلب استغفار می‌نمایم).

ابوهریره **t** آورد است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً»⁽²⁾ (قسم به الله! من هر روز بیشتر از هفتاد بار از الله طلب استغفار می‌کنم و به سوی او توبه می‌نمایم).

أغر بن يسار مزنی **t** آورده است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي أُتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ»⁽³⁾ (ای مردم به سوی الله توبه نمایید و من در روز صدبار به سوی او توبه می‌نمایم).

ابن عمر رضی الله عنهما گفته است: ما برای رسول الله **ﷺ** شمرديم که در یک مجلس صدبار فرمود: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»⁽⁴⁾ (بروردگارا مرا ببامرز و توبه‌ی مرا بپذیر! همانا تو بسیار توبه پذیر [و] دائماً رحمت کننده هستی).

ثوبان **t** گفته است: رسول الله **ﷺ** وقتی نمازش تمام می‌شد، سه بار طلب استغفار می‌فرمود⁽⁵⁾.

از دعاهای وی **ﷺ** این بود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَجَهْلِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي جِدِّي وَهَزْلِي وَخَطِيئِي وَعَمْدِي وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُوَخَّرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»⁽⁶⁾ (یا الله! خطای من و جهل مرا و اسرافم در امرم و آن که تو از من به آن آگاه‌تری را ببامرز! یا الله! جدی و غیر جدی من و خطا و عمد مرا و تمامی آنچه نزد من است را ببامرز! یا الله! آنچه در قبل انجام داده‌ام و آنچه در بعد انجام می‌دهم و آنچه پنهان نموده‌ام و آنچه آشکار نموده‌ام و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری را ببامرز! تو قبل از همه بوده‌ای و بعد از همه خواهی بود و تو بر هر چیزی توانایی داری).

میوه‌های و فایده‌های استغفار

برای استغفار میوه‌ها و ثمرات بزرگی وجود دارد

همچنین فایده‌های با ارزشی برای کسی دارد که الله **U** به او توفیق داده و استغفار و بازگشت و توبه‌ی به سوی وی را به او الهام نماید از این ثمرات این موارد می‌باشد:

طلب استغفار استجابت امر الله تعالی است

الله **U** بندگانش را به طلب استغفار امر فرموده است و آنان را بر آن تشویق نموده است و برای آن به آنها وعده‌ی آمرزش و

(1) رواه مسلم.

(2) رواه البخاری (بخاری).

(3) رواه مسلم.

(4) رواه أبو داود و الترمذی و قال حدیث حسن صحیح.

(5) رواه مسلم.

(6) متفق علیه از حدیث أبی موسیٰ أشعری و لفظ برای مسلم است.

ثواب بزرگ و بخشش زیاد داده است، چه کسی از الله تعالی راستگوتر است؟ آیات و آثار زیادی وجود دارد که بر این دلالت می‌کند که الله **U** پیامبرش را به آن امر فرموده است و این در حالی است که او باشرف‌ترین مخلوق می‌باشد، الله **U** می‌فرماید: {إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ} (1) (وعده‌ی الله حق است و برای گناهت طلب استغفار نما و شامگاه و صبحگاه، تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور!).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: {فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوَاكُمْ} (2) (پس بدان که هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی جز الله وجود ندارد و برای گناهت و برای مؤمنان مرد و زن طلب آمرزش نما! و الله گردشگاه شما و قرارگاه شما را می‌داند).

همچنین الله **U** می‌فرماید: {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا} (3) (پس تسبیح و حمد پروردگارت را بگو و از او طلب آمرزش نما که او بسیار توبه پذیر است).

همچنین الله **U** می‌فرماید: {وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا} (4) (و از الله طلب آمرزش نما که بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

الله **U** بندگانش را به استغفار، توبه و بازگشت [به سوی وی] امر می‌نماید و می‌فرماید: {وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (5) (و از الله طلب استغفار نمایید که او بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده است).

همچنین الله **U** می‌فرماید: {وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ} (6) (و بشتابید به سوی آمرزشی از طرف پروردگارتان و بهشتی که عرض آن به اندازه‌ی آسمانها و زمین است [و] به پرهیزگاران وعده داده شده است).

همچنین الله **U** اهل کفر و گمراهی را به استغفار و توبه امر می‌نماید و می‌فرماید: {أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (7) (پس چرا به سوی الله توبه نمی‌نمایند و از او طلب آمرزش نمی‌کنند، در حالی که الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده است).

الله **U** خطاب به حاجیان بیت الحرام می‌فرماید: {ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (8) (سپس از جایی بازگردید که مردم باز می‌گردند و از الله طلب استغفار نمایید که الله بسیار آمرزنده‌ی دائماً رحمت کننده می‌باشد).

ابوهریره **t** آورده است که رسول الله **r** فرمود: «يَنْزِلُ رَبُّنَا كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَيَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي

(1) سورة غافر، الآية: 55.

(2) سورة محمد، الآية: 19.

(3) سورة النصر، الآية: 3.

(4) سورة النساء، الآية: 106.

(5) سورة المزمل، الآية: 20.

(6) سورة آل عمران، الآية: 133.

(7) سورة المائدة، الآية: 74.

(8) سورة البقرة، الآية: 199.

فَأَسْتَجِيبَ لَهُ وَمَنْ يَسْأَلْنِي فَأَعْطِيهِ وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ»⁽¹⁾ (پروردگار ما هر شب وقتی یک سوم آخر آن باقی مانده است، به آسمان دنیا نزول می‌کند و می‌فرماید: چه کسی از من دعا می‌کند، پس او را مستجاب می‌کنم و چه کسی از من درخواستی دارد، پس به او عطا می‌نمایم و چه کسی از من طلب استغفار می‌نماید، پس او را می‌آمرزم).

الله U در حدیث قدسی می‌فرماید: «يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلا أُبَالِي»⁽²⁾ (ای فرزند آدم! اگر گناهانت به اطراف آسمان برسد، سپس از من طلب استغفار نمایی، تو را می‌آمرزم و ابایی از آن ندارم).
ای پروردگار جهانیان! چقدر عظیم هستی تو و چقدر بردبار هستی تو و چه قدر گرامی می‌باشی!

استغفار سبب کسب روزی می‌شود

طلب استغفار از مهمترین و بزرگترین اسباب کسب روزی است، الله U درباره‌ی نوح U می‌فرماید: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (3) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیاپی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

درباره‌ی پیامبرش هود U می‌فرماید: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (4) (و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید! سپس بسوی او توبه نمایید [در نتیجه‌ی آن] بر شما از آسمان پیاپی باران می‌باراند و قوتی بر قوت شما می‌افزاید و مجرمانه روی بر نگردانید).

در این آیات الله U اموری را به طلب استغفار مرتبط می‌سازد که بدین شرح است:

- (1) باراندن باران به صورت پیاپی، قال ابن عباس رضی الله عنهما درباره‌ی {مدراراً} گفته است: منظور پیاپی می‌باشد.
- (2) باغها و بستانهای سر سبز.
- (3) نهرهایی که آب گوارا در آن جریان دارد.

قرطبی رحمه الله گفته است: «در این آیات دلیلی وجود دارد که بر اثر طلب استغفار، روزی و باران نازل می‌شود» و حافظ ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش آورد است: «به این معنا است که اگر به سوی الله [تعالی] توبه نمایید و از او طلب آمرزش نمایید، روزی بسیار به شما عطا می‌کند و شما را از برکات آسمان می‌نوشاند و برای شما برکات زمین را خارج می‌گرداند و برای شما زراعت می‌رویانند و شیر [چهارپایان] را برای شما زیاد می‌کند و برای شما باغهایی قرار می‌دهد که در آن انواع میوه‌ها وجود دارد و در خلال آنها نهرها را جاری می‌نماید».

أمیر المؤمنین عمر t به این آیات در طلب باران از پروردگارش U تمسک جست، مطرف از شعبی روایت کرده است که عمر t برای طلب آب خارج شد و همچنان طلب استغفار خود را زیاد نمود تا این که بازگشت، به او گفته شد: از تو نشنیدیم که

(1) رواه البخاری (بخارایی)، الفتح: 7494/13. مسلم: (758) و لفظ برای اوست.

(2) رواه الترمذی من حیث أنس وقال حدیث حسن صحیح.

(3) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(4) سورة هود، الآية: 52.

طلب باران نمایی. گفت: باران را از محل بارش آن از آسمان طلب نمودم، سپس قرائت نمود: {وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا} (و از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید که او بسیار آمرزنده است * از آسمان پیاپی بر شما باران می-باراند)⁽¹⁾.

همچنین الله U در کتاب گرامی اش می فرماید: {وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى} (2) (و این که از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، سپس به سوی او توبه نمایید، [در نتیجه] شما را از کالایی نیکو تا زمانی معین بهره مند می-سازد).

در این آیه ی گرامی، الله تعالی وعده داده است که کسی که طلب استغفار نماید و توبه نماید را با کالایی نیکو، بهره مند می سازد و منظور از این سخن: {يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا} همان گونه که ابن عباس رضی الله عنهما گفته است، این معنا می باشد: روزی و گشایش شما را برتری می دهد⁽³⁾.

قرطبی رحمه الله گفته است: «این ثمره ی استغفار و توبه است و آن این است که با منافی از گشایش رزق و خوشایند شدن زندگی، شما را بهره مند می سازد».

در حدیثی از وی F آمده است: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»⁽⁴⁾ (کسی که زیاد طلب استغفار نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می دهد و به او از جایی روزی می دهد که به حساب نمی آورد).

در این حدیث راستگوی تصدیق شده F، سه ثمره را برای زیاد بودن استغفار بیان فرموده است؛ یکی از آنها روزی از طرف الله تعالی که روزی دهنده و دارای قدرت و بسیار قوی است، می باشد و آن از جایی می رسد که بنده پنداری برای آن ندارد و از آن راه امید نداشته و به فکرش خطور نمی کند؛ پس بر کسانی که رغبت به روزی و زیاد بودن آن و برکت آن را دارند واجب است که بسیار با سخن و عملشان طلب استغفار نمایند، ولی از انجام استغفار با زبان و بدون عمل برحذر باشند که آن عمل دروغگویان است.

استغفار سبب وارد شدن به بهشت می شود

مصدق این امر این سخن پیامبر F است که اوس بن شداد t آن را آورده است: «سَيِّدُ الْاسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأُبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (سید استغفار این است که بگویی: یا الله! تو پروردگار من هستی، هیچ پرستش شونده ی برحق ی جز تو وجود ندارد، مرا خلق نمودی و من بنده ی تو هستم و من تا آنجا که بتوانم، بر عهد تو و وعده ی تو هستم، به تو پناه می برم از شر آنچه انجام داده ام، به نعمتی که من داده ای اقرار می کنم و به گناهم اقرار می کنم، در نتیجه مرا بیمارز، همانا گناهان را کسی نمی-

(1) نگاه شود به المعانی: 27/29.

(2) سورة هود، الآیة: 3.

(3) نگاه شود به زاد المسیر: 75/4.

(4) رواه أحمد فی المسند واللفظ له وابن ماجه والحاكم فی المستدرک وصحیح إسناده وصححه الشیخ أحمد شاکر (هامش المسند: 55/4).

آمرزد، مگر تو) و فرمود: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (کسی که آن را با یقین در روز بگوید و در آن روز بمیرد قبل از آن که شب شود او از اهل بهشت خواهد بود و کسی که آنرا با یقین در شام بگوید و قبل از آن که صبح برسد، بمیرد، او از اهل بهشت خواهد بود)⁽¹⁾.

استغفار سبب بخشیده شدن گناهان و محو شدن خطاها می شود

قتاده رحمه الله گفته است: «قرآن شما را به بیماری تان و دارویتان راهنمایی می کند، اما بیماری شما گناهان شما هستند و داروی شما طلب استغفار است» و آن چیزی است که باعث بخشیده شدن گناهان و محو شدن خطاها و پاک شدن بدی ها می شود.

الله U می فرماید: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَكَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ} ⁽²⁾ (و [پرهیزگاران] کسانی هستند که وقتی عمل زشتی را مرتکب می شوند یا به خودشان ظلم می کنند، الله را یاد نموده و در پس آن برای گناهانشان طلب استغفار می کنند و چه کسی به غیر از الله گناهان را می بخشد؟ و با علم و آگاهی بر [انجام آن گناهان] اصرار ندارند).

عبد الله بن مسعود t گفته است: در کتاب الله U دو آیه است که بنده ای که آنان را بخواند و از الله U طلب استغفار نماید، [اتفاقی نمی افتد] مگر آن که الله تعالی او را می آمرزد، سپس آیهی قبل را ذکر نمود و از آیاتی که دلالت بر بخشش الله U و گرامی داشتن به بخشش گناهان و پاک شدن بدی ها می باشد، این سخن الله U است که می فرماید: {وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمِ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا} ⁽³⁾ (و کسی که عمل بدی را انجام دهد یا به خودش ظلم کند، سپس از الله طلب آمرزش نماید، الله را بسیار آمرزنده [و] دائماً رحمت کننده می یابد).

علی t گفته است: مردی بودم که هر چه را از رسول الله r می شنیدم تا آنجا که الله U می خواست از آن بهره مند می شدم و اگر کسی از صحابه حدیثی را به من می گفت، از او طلب می نمودم تا قسم بخورد. وقتی قسم می خورد او را تصدیق می کردم، ابوبکر برای من حدیثی گفت و راست گفت ابوبکر t که شنیده بود که رسول الله r می فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ» (بنده ای نیست که گناهی مرتکب شود و به نیکی طهارت نماید، سپس بایستد و دو رکعت نماز بخواند، سپس از الله طلب استغفار کند [اتفاقی نمی افتد] مگر آن که الله او را می آمرزد)، سپس این آیه را تلاوت نمود: {وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَكَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ} ⁽⁴⁾ (و [پرهیزگاران] کسانی هستند که وقتی عمل زشتی را مرتکب می شوند یا به خودشان ظلم می کنند، الله را یاد نموده و در پس آن برای گناهانشان طلب استغفار می کنند و چه کسی به غیر از الله گناهان را می بخشد؟ و با علم و آگاهی بر [انجام آن گناهان] اصرار ندارند)⁽⁵⁾.

(1) رواه البخاری (بخاری).

(2) سورة آل عمران، الآیة: 135.

(3) سورة النساء، الآیة: 110.

(4) سورة آل عمران، الآیة: 135.

(5) أخرجه أصحاب السنن وحسنه الترمذی.

انس **t** آورده است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ فِيكَ وَلَا أُبَالِي يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أُبَالِي»⁽¹⁾ (الله تبارک و تعالی می فرماید: ای فرزند آدم! تا زمانی که مرا به دعایی می خوانی و به من امید داری تو را می آمرزم، بر هر چه که باشی و از آن ابایی ندارم. ای فرزند آدم! اگر گناهانت به اطراف آسمان برسد، سپس از من طلب آمرزش نمایی، تو را می آمرزم و ابایی [از آن] ندارم) ... نگریسته شود به بخشش و کرامت و کرم الله تعالی.

ابوهریره **t** آورده است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «إِذَا أَدْنَبَ عَبْدٌ ذَنْبًا فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي؛ فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدْنَبَ عَبْدِي ذَنْبًا فَعَلِمَ أَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ وَيَأْخُذُ بِالذَّنْبِ وَأَعْمَلُ مَا شِئْتَ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكَ»⁽²⁾ (وقتی بنده مرتکب گناهی می شود و می گوید: یا الله! گناه مرا ببامرز! [الله] تبارک و تعالی می فرماید: بنده من مرتکب گناهی شد و دانست برای او پروردگاری است که گناه را می آمرزد و گناه را می گیرد و [می فرماید: ای بنده من] هر کاری می خواهی بکن همانا گناه تو آمرزیده شد).

در اثر از ابلیس لعنه الله آمده است که او به پروردگار عزت وقتی او را لعنت فرمود، گفت: «ای پروردگار! بنی آدم را به شرّ و ادار می کنم مادامی که روح های آنها در بدن های آنان است»^U فرمود: «قسم به عزت و بزرگی ام آنها را خواهم آمرزید مادامی که از من طلب آمرزش نمایند».

حذیفه بن یمان **t** گفته است: با زبانم به اهلن نیش می زدم و گفتم: ای رسول الله! می ترسم زبانم مرا وارد آتش جهنم نماید، پیامبر **ﷺ** فرمود: «فَأَيْنَ أَنْتَ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي أَيُّومٍ مِائَةً» (پس برای استغفار چه کاری انجام می دهی؟ من روزی صدبار از الله طلب آمرزش می نمایم)⁽³⁾.

ابوسعید **t** آورده است که رسول الله **ﷺ** فرمود: «من قال حين يأوي إلى فراشه استغفر الله العظيم الذي لا إله إلا هو الحي القيوم، وأتوب إليه ثلاث مرات غفر الله له ذنوبه، وإن كانت مثل زبد البحر أو عدد رمل عالج، أو عدد أوراق الشجر، أو عدد أيام الدنيا»⁽⁴⁾ (کسی که هنگامی که به رختخوابش می رود سه مرتبه بگوید: «از الله بزرگ طلب آمرزش می نمایم، همان کسی که هیچ پرستش شونده ی بر حقی جز او وجود ندارد و او زنده و بریا و بریا دارنده است و به سوی او توبه می نمایم»^U الله گناهان او را می آمرزد حتی اگر به اندازه ی کف دریا یا شن های شنزار یا برگ های درختان یا تعداد روزهای دنیا باشد).

در روایت زید آمده است: «غفرت ذنوبه وإن كان فاراً من الزحف»⁽⁵⁾ (گناهانش آمرزیده می شود حتی اگر از صحنه ی جنگ فرار کرده باشد).

استغفار مجازات و عذاب را قبل از واقع شدن آنها دفع می کند

(1) رواه الترمذی وقال حدیث حسن.

(2) متفق علیه من حدیث ابی هریره.

(3) أخرجه النسائی فی عمل الیوم والليلة وابن ماجه والحاكم وقال صحیح علی شرط الشیخین.

(4) أخرجه الترمذی ورواه البخاری فی التاريخ بلفظ آخر.

(5) أخرجه أبو داود من الترمذی من حدیث زید ورواه الحاكم وقال صحیح علی شرط الشیخین.

قانونی که وجود دارد با این عنوان که پیشگیری بهتر از علاج است، حسن بصری رحمه الله گفته است: «ای فرزند آدم! ترک گناه از طرف تو راحت تر از توبه است». از ثمرات استغفار این است که الله U آن را سببی برای دفع عذاب و مجازات قبل از واقع شدن آنها قرار داده است، مصداق این سخن این کلام الله U است: {وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ} (1)

(و الله آنها را عذاب نمی کند مادامی که تو در بین آنها هستی و الله عذاب کننده ی آنان نخواهد بود در حالی که آنها طلب استغفار نمایند).

أبو موسیٰ أشعری t گفته است: «دو امان از عذاب برای ما وجود داشت، یکی از آنان رفت که همان وجود رسول r بین ما بود و [دیگری] استغفار است که با ما باقی مانده است و اگر برود، هلاک می شویم... در نتیجه استغفار امانی از طرف الله تعالی برای بندگانش است.

استغفار سبب بالا رفتن درجات بعد از مرگ می شود

استغفار همان گونه که در دنیا سود می رساند باعث بالا رفتن درجات در بهشت می شود، ابهریره t آورده است که رسول الله r فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْفَعُ الدَّرَجَةَ لِلْعَبْدِ الصَّالِحِ فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ يَا رَبُّ أُنِّي لِي هَذِهِ فَيَقُولُ بِاسْتِغْفَارٍ وَلَدِكَ لَكَ» (2) (الله U درجه ی بنده ی صالحی را در بهشت بالا می برد و او می گوید: ای پروردگار! این از کجا آمده است؟ می فرماید: با استغفار فرزندت برای تو).

در حدیث دلیلی وجود دارد که الله تعالی با ولد صالح به پدر و مادرش در دنیا و آخرت منفعت می رساند، مصداق آن این سخن پیامبر r است که می فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ وَعِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» (3) (وقتی انسان می میرد، عمل او قطع می گردد، مگر در سه چیز: صدقه ای که جاری می باشد و علمی که از آن سود برده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند).

استغفار سبب پاک شدن قلبها می شود

ابهریره t آورده است که رسول الله r فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا كَانَتْ نُكْتَةً سَوْدَاءَ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَتَزَعَّ وَاسْتَغْفَرَ صُفِّلَ مِنْهَا قَلْبُهُ فَإِنْ عَادَ رَأَتْ حَتَّى يُغْلَقَ بِهَا قَلْبُهُ فَذَاكَ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ}» (4)

(مؤمن وقتی گناهی مرتکب می شود، نقطه ی سیاهی در قلبش می گذارد و اگر توبه نماید و عوض شود و طلب استغفار نماید، قلبش از آن صیقل پیدا می کند و اگر باز گردد، بر او پیشی گرفته تا این که قلبش توسط آن بسته می شود و این همان است که الله U در کتابش ذکر می فرماید (این طور نیست چه بسا بر قلب آنها پیشی گرفته است آنچه را که کسب کرده اند))⁵.

در نتیجه استغفار سببی برای پاکی قلب، نظافت آن، صیقل یافتنش و پاک شدنش از گناهان و نافرمانی ها و سیاهی ها و راهی

(1) سورة الأنفال، الآية: 33.

(2) رواه أحمد با أسناد حسن.

(3) رواه مسلم.

(4) سورة المطففين، الآية: 14.

5 - شعب الايمان امام بيهقي 7203. (مترجم)

برای از بین رفتن پیشی گرفتن گناهان بر آن است.

استغفار سبب زیاد شدن فرزندان می شود

این بشارتی است برای هر انسانی که آرزوی فرزند صالح دارد و دلیل آن سخن الله **U** است که می فرماید: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (1) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجهی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیاپی می باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می دهد و برای شما باغهایی قرار می دهد و برای شما نهرهایی قرار می دهد).

در این آیهی گرامی تعدادی از ثمرات استغفار بیان شده است:

- (1) آمرزیده شدن گناهان.
- (2) نازل شدن باران و خارج شدن رزق.
- (3) زیاد کردن اموال و فرزندان توسط الله تعالی.
- (4) قرار گرفتن باغها و نهرها.

عطاء دربارهی این سخن الله تعالی گفته است: {وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ} به معنای آن است که اموال و فرزندان را زیاد می کند. ابن کثیر رحمه الله گفته است: «به این معناست که به شما مال و فرزند می دهد و در حدیث آمده است: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَأ يَحْتَسِبُ» (و او را از جایی که فکرش را نمی کند، روزی می دهد) و فرزندان رزقی از طرف الله **U** هستند.

استغفار سبب سلامتی و قدرت می شود

از آثار استغفار این است که الله تعالی به بنده در سلامتی و عافیت او برکت می دهد و قدرت، نشاط و زندگانی او را زیاد می فرماید. مصداق این سخن الله **U** است که از زبان پیامبرش هود **U** می فرماید: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (2) (و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید! سپس بسوی او توبه نمایید [در نتیجهی آن] بر شما از آسمان پیاپی باران می باراند و قوتی بر قوت شما می افزاید و مجرمانه روی بر نگردانید).

در نتیجه سخن الله **U**: {وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ} (و قوتی بر قوت شما می افزاید) دلیلی بر این است که استغفار سبب زیاد شدن قوت و سلامتی می شود. همچنین این سخن الله **U** در جایی دیگر است که می فرماید: {وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ} (3) (و این که از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، سپس به سوی او توبه نمایید [در نتیجه] تا زمانی معین شما را از کالایی نیکو بهره مند می سازد و به هر صاحب فضلی، فضل و

(1) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(2) سورة هود، الآية: 52.

(3) سورة هود، الآية: 3.

احسانش را می‌دهد و اگر روی برگردانید برای شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم).

سخن الله U: {يُمَتِّعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا} (شما را از کالایی نیکو بهره‌مند می‌سازد) دلیلی بر این است که استغفار سبب بهره‌مندی بنده می‌گردد و حالت‌های این بهره‌مندی شامل سلامتی، عافیت و قوت است.

بشارت برای زنان

ابن عمر رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَأَكْثِرْنَ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ فَإِنِّي رَأَيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ» (ای زنان صدقه بدهید و زیاد طلب استغفار نمایید زیرا من شما را دیدم که بیشترین افراد اهل آتش جهنم بودید)، زنی از آن زنها گفت: چرا ما بیشترین افراد اهل آتش هستیم؟ فرمود: «تَكْثُرْنَ اللَّعْنَ وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَغْلَبَ لَذِي لُبٍّ مِنْكُنَّ» (زیاد بودن لعن کردن و ناشکری از شوهران [دلیل آن است]. ناقصان عقل و دین به مانند شما ندیده‌ام که بر [مرد] صاحب خردی غلبه پیدا کند) گفت: چرا نقصان در عقل و دین وجود دارد؟ فرمود: «أَمَّا نُقْصَانُ الْعَقْلِ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ تَعْدِلُ شَهَادَةَ رَجُلٍ فَهَذَا مِنْ نُقْصَانِ الْعَقْلِ وَتَمَكُّثُ اللَّيَالِي مَا تُصَلِّي وَتُفْطِرُ فِي رَمَضَانَ فَهَذَا مِنْ نُقْصَانِ الدِّينِ»⁽¹⁾ (اما نقصان عقل، گواهی دادن دو زن معادل گواهی دادن یک مرد است و این از نقصان عقل است و شبهایی را نماز نمی‌خوانند و در رمضان [در بعضی از ایام] روزه نمی‌گیرند و این از نقصان دین است).²

سخنش ﷺ: «وَأَكْثِرْنَ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ» (زیاد طلب استغفار نمایید) دلیلی بر این است که استغفار سبب نجات زن از آنچه در رفتار بد با شوهرش انجام می‌دهد یا در حق شوهرش مرتکب و خطا و کوتاهی می‌شود، می‌باشد. همچنین در آن دلیلی بر این است که استغفار سبب نجات از آتش جهنم در روز قیامت می‌شود. بر شماست ای خواهر مسلمانم که استغفار نمایی تا به امر پیامبر ﷺ عمل کرده باشی و در دنیا و آخرت از رستگاران باشی.

بیان مواردی از ماجراهای استغفار

حسن بصری و استغفار

امام قرطبی از ابن صبیح آورده است: «مردی نزد حسن از خشکسالی شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! دیگری از فقر نزد او شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! دیگری گفت: برای من دعا کن که الله فرزندی را به من روزی دهد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! دیگری نزد او از خشک شدن باغش شکایت کرد، به او گفت: از الله طلب استغفار کن! ربیع بن صبیح به او گفت: مردانی آمدند و از انواع امور نزد تو شکایت کردند و تو به تمامی آنها امر کردی که استغفار نمایند! او گفت: از نزد خودم چیزی نگفتم! الله U در سوره‌ی نوح می‌فرماید: {قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ

(1) رواه مسلم.

2 - البته معیار برای بزرگی انسان تقوا است و زنی که دارای تقوای بیشتری نسبت به مردان باشد، مطمئناً دارای درجات بالاتری نزد الله تعالی می‌باشد. (مرجم)

وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا⁽¹⁾ (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیاپی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌دهد).

مردی به حسن بصری گفت: آیا شخصی از ما برای این از پروردگارش خجالت بکشد که گناهی را انجام دهد و بعد از آن استغفار نماید و دوباره آن گناه را بار دیگری انجام دهد و در پس آن استغفار کند و به این ترتیب کار خود را ادامه دهد. حسن به او گفت: شیطان می‌خواهد توسط آن بر شما پیروز گردد، هرگز استغفار را ترک نکنید.

صدقه و استغفار درمان ناباروری است

U الله در کتاب گرامی‌اش می‌فرماید: {لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ * أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ⁽²⁾ (پادشاهی آسمانها و زمین برای الله است. هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر می‌دهد و به هر کس بخواهد پسر می‌دهد * و یا آن که هم پسر و هم دختر به آنها می‌بخشد و هر که را بخواهد، عقیم قرار می‌دهد، او بسیار آگاه بسیار توانا است).

این حکمت الله U در مخلوقاتش است و بر مؤمن واجب است که به دنبال اسباب برود و به الله U اعتماد کند و صدقه و استغفار چیزهایی هستند که توسط آنها شفا به اذن الله تعالی حاصل می‌شود. بر شماست برادر این ماجرابی که در کتابهای حدیث وارد شده است:

امام أبوحنیفه رحمه الله در مسندش از جابر بن عبد الله رضی الله عنهما آورده است: مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول الله! هرگز فرزندی به من روزی داده نشده است و فرزندی ندارم، رسول الله ﷺ فرمود: «فأین أنت من كثرة الاستغفار وكثرة الصدقة ترزق بهما» (پس زیاد بودن طلب استغفار و زیاد دادن صدقه‌ی تو کجا رفته است؟ تا توسط آنها روزی داده شوی)، آن مرد صدقه دادن و استغفار خود را زیاد کرد... جابر گفت: برای آن مرد نه پسر زاییده شد⁽³⁾.

شیخ عائض قرنی حفظه الله در بعضی از محاضراتش گفته است: از ریزه‌کاری‌ها این است که در زمان معاصر ما بعضی عقیم بوده‌اند و فرزندی برای آنها زاده نشده است، پزشکان از درمان آن شخص عاجز مانده‌اند و داروهای زیادی را برای آنها استفاده کرده‌اند، بعد از آن از یکی از علماء سوال کرده است و آن عالم گفته است: بر توست که طلب استغفارت را در صبح و شام زیاد کنی، زیرا الله تعالی درباره‌ی استغفار کنندگان می‌فرماید: {وَيُمِدِّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ⁽⁴⁾ (و شما را با اموال و فرزندان یاری می‌فرماید) آن مرد طلب استغفار خود را زیاد کرده است و به آن دوام داده است و الله تعالی فرزندی صالح به او داده است.

(1) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(2) سورة الشوری، الآيات: 49، 50.

(3) نگاه شود مسند ابو حنیفه، شرح ملا علی القاری.

(4) سورة نوح، الآیة: 12.

استغفار و برکت رزق و روزی

یکی از برادران به بازار رفت تا کالایی را که داشت، بفروشد. بازار بسیار پُر ازدحام از فروشندگان و خریداران بود. در مکانی که برای فروش وجود داشت نشست و کالایش را عرضه نمود. در آنجا نشست و مدت زیادی گذشت و مردم از کالای او استقبال نکردند. مردم می‌آمدند و به کالای او نگاه می‌کردند، سپس می‌رفتند. نیاز شدیدی به مال داشت و گریزی برای وی وجود نداشت که کالایش را باید می‌فروخت و تمام وقت او گذشت. زمان زیادی سپری شد و کسی کالای او را نخواست. حال برایش تنگ شد و شروع به فکر کردن نمود که چه کار کند؟ ناگهان حدیثی به فکرش رسید که آن را از امام مسجد شنیده بود. او می‌گفت که رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (کسی که زیاد طلب استغفار نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد)، زبان و قلبش را به آن اختصاص داد و شروع به استغفار نمود، می‌گفت: قسم به الله! اگر استغفار را شروع کنم، مردم به سوی من می‌آیند. شخصی کالای او را خواست و دیگری با خواست خودش خواست تا قیمت زیاد باشد و دیگری بر خرید خود افزود تا آن که راحت شد و کالای خود را فروخت و الله را شکر و ستایش نمود. پولها را گرفت و به خانه‌اش بازگشت و این در حالی بود که چشمانش پُر از اشک شده بود، زیرا او در حق این گنج بزرگ «استغفار کردن» کوتاهی نموده بود، الحمد لله رب العالمین.

آرامش یافتن زن به سبب استغفار شوهرش

مردی ماجرایش را بیان داشت و گفت: روزی از روزها به خانه‌ی خودم برگشتم و آن بعد از روزی بود که خسته و کوفته بودم؛ درب را باز کردم و ناگهان همسرم را دیدم که به من نگاه می‌کرد و در او علامتهای عصبانیت و انفعال وجود داشت. مبادرت به سوال نمودن از من کرد و من خودم را از روی عصبانیت و انفعال نتوانستم کنترل کنم. در آخر شب بود، تا صبح مشغول بحث و جدل و عصبانیت شدم. در آخر زخم گفت که خانه را ترک می‌کند و به خانه‌ی پدرش می‌رود، سعی کردم که او را منصرف کنم، ولی نتوانستم بیروز شوم، به اتاقمان رفت و شروع به جمع کردن ساکش نمود تا برود. از خانه خارج شدم و نمی‌دانستم به کجا می‌روم؟ و این از روی شدت عصبانیت و انفعال من بود.

در کنار خانه‌ام مسجدی بود و اذان صبح نزدیک می‌بود. داخل مسجد شدم و وضو گرفتم و دو رکعت نماز خواندم، سپس اذان صبح گفته شد و نماز صبح را به جماعت خواندم. سپس در مسجد ماندم و شروع به طلب استغفار از الله U شدم. این حالت حدود یک ساعت طول کشید، سپس ایستادم تا به خانه بروم. درب [خانه] را باز نمودم و در آن هنگام بود که همسرم نشسته بود و به من نگاه می‌کرد. بر صورتش لبخند زیبایی بود. به او سلام کردم و به او گفتم: چه شد که از رفتن منصرف شدی؟ گفت: من از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم... به خودم گفتم: امری غیر عادی است؟ چه اتفاقی افتاده است؟ سپس از او درباره‌ی اسرار این تغییر سوال نمودم. گفت: فقسیم به الله نمی‌دانم... ولی مدت یک ساعت است که آرامش یافته‌ام و فهمیدم که من خطاکار هستم و الله [تعالی] مرا هدایت فرمود. به یاد آوردم که آن زمانی بود که نشسته بودم و در آن طلب استغفار می‌نمودم و این سخن پیامبر ﷺ را به یاد آوردم. «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْاسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (کسی که زیاد طلب استغفار

نماید، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد)، راست گفت: رسول الله ۳، {وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ} (۱) (او از روی هوی سخن نمی‌گوید * آن فقط وحیی است که بر وی وحی شده است).

چه کسی راستگوتر از الله تعالی است؟

در شبی از شبهای تشریق در ایام حج، نزدیک کعبه شروع به بیان نمودن استغفار و توجه به معنا و فضیلت و اثر آن نمودم. در سخن من راهنمایی، منطق و عقل وجود داشت، وقتی سخنان کوتاه من تمام شد و آن عادت من بود، یکی از حاضران خواست تا با من تنها صحبت کند و من آن را قبول نمودم و او شروع به بیان ماجرایش درباره‌ی استغفار نمود.

أبویوسف: من به شکر الله تعالی ازدواج کرده‌ام. ولی بچه‌دار شدن همسرم طول کشید و شروع به تهیه اسباب [برای آن شدم]، چیزی از پزشک نشنیدم، مگر آن که آن را انجام دادم. سپس به خارج سفر نمودم تا درمان صورت گیرد. تمامی آنها گفتند: «برای تو و همسرت سلامتی حاصل نمی‌شود»، پس به کویت بازگشتم در حالی که به امید الله تعالی بودم {وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} (و الله بر هر چیزی تواناست).

گفتم: بگو ای ابویوسف! تمامی من گوشی است که به سخنان تو محتاج است.

أبویوسف: در روزی از روزها، وقتی به رادیوی القرآن الکریم گوش می‌کردم، آیه‌ای را شنیدم که تو ای شیخ در سخنان آن را از سوره‌ی نوح می‌گفتی... {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا} (۲) (گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید، که او بسیار آمرزنده است * [در نتیجه‌ی آن] از آسمان بارانهای پُر خیر و برکت و پیاپی می‌باراند * و شما را با مالها و فرزندان یاری می‌دهد و برای شما باغ‌هایی قرار می‌دهد).

شیخ آیه را شرح داد و بیان نمود که استغفار وسیله‌ای برای فرزنددار شدن است. سخنان را شنیدم و وقتی به منزل بازگشتم، آنچه را که شنیده بودم برای همسرم بیان نمودم. تصمیم گرفتیم تا برای درمان یافتن شروع به استغفار، در شب و روز، و آشکار و نهان، نماییم. آیا می‌دانی شیخ چه گفت؟

همسرم یک ماه استغفار نمود و ما - شکر الله تعالی - صاحب یوسف شدیم.

گفتم: آنچه الله تعالی خواسته است. الله تعالی راست گفته است و او بهترین راستگویان است: {إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْأَمْعَادَ} (۳) (الله خُلف وعده نمی‌نماید). {وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا} (۴) (و چه کسی از الله در سخن راستگوتر است؟). {وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا} (۵) (و

(۱) سورة النجم، الآيتان: 3، 4.

(۲) سورة نوح، الآيات: 10-12.

(۳) سورة الرعد، الآية: 31.

(۴) سورة النساء، الآية: 122.

(۵) سورة النساء، الآية: 87.

چه کسی در سخن گفتن از الله راستگوتر است؟).

أبویوسف: ای شیخ ماجرای من به پایان نرسیده است.

گفتم: بعد از آن چه شد؟

أبویوسف: وقتی نفاس همسر من تمام شد، به او گفتم: ای مادر یوسف برای فرزند بعدی طلب استغفار کن! به مانند دفعه اول یک ماه طلب استغفار نمود و بچه دوم - شکر الله تعالی - به دنیا آمد. وقتی نفاس او تمام شد، گفتم: ای مادر یوسف! طلب استغفار کند زیرا سومی را می‌خواهیم. طلب استغفار نمودم و - شکر الله تعالی - سومی آمد. وقتی نفاس همسر من تمام شد، گفتم: ای ابو یوسف از استغفار نمودن به نیت فرزندان خودداری کن! تا این که کودکان بزرگ شوند و بعد از آن، برای نفر چهارم به اذن الله تعالی طلب استغفار می‌نمایم.

گفتم: الله به تو به آنچه به تو روزی داده است و به کودکان که به طور خاص نور چشم تو هستند، برکت عطا فرماید! تو یکی از نشانه‌های الله تعالی را در خودت و در همسرت و در فرزندت دیده‌ای.

أبو یوسف: آمین؛ ولی ای شیخ ماجرای من تمام نشد و آن ادامه دارد!

گفتم: سخن گفتنت تمام نشد! کامل کن ای ابویوسف!

أبویوسف: بعد از آن فرزندانم بزرگ شدند، به ام یوسف گفتم ما سه فرزند داریم و به الله تعالی امید داریم که دختری زیبا به ما بدهد، ای ام یوسف! طلب استغفار کن در حالی که به دختری امید داری.

گفتم: الله به تو دختری عطا فرماید، همان گونه که پسرانی را به تو عطا فرمود، ای برادر گرامی!

أبو یوسف: بشارت بده ای شیخ من حالا برای حج آمده‌ام و همسر من در نفاس بعد از به دنیا آمدن دختر جدیدم می‌باشد. ماجرای ابو یوسف تمام شد.

به طور خلاصه در این ماجرا داشتیم:

(1) استغفار و اثر آن.

(2) استغفار بر اساس نیت استغفار کننده می‌باشد. برای مال طلب استغفار نماید یا برای زیاد شدن فرزندان یا نجات یافتن و توبه. و اثر آن به اذن الله تعالی در استغفار کننده ظاهر می‌شود.

(3) استغفار نیاز به نیت صادقانه و اخلاص برای الله تعالی دارد. معنای آن درک شود و هدف آن فهمیده شود، زیرا بر اساس نیت آن، بر زندگی ما اثر می‌گذارد.

(4) الله تعالی خلف وعده نمی‌نماید و اگر اثر صورت پذیرفت باید بدانیم که امری سبب آن شده است.

(5) استغفار مانند دعا می‌باشد، گاهی آنچه را که برای آن دعا نموده‌ایم [در دنیا] بدست می‌آوریم و گاهی [در دنیا] چیزی نصیب ما می‌شود که طلب نموده‌ایم و در ازای آن به سبب استغفار از اتفاق بدی که قرار است برای ما بیافتد، جلوگیری می‌شود و گاهی [وقتی مستجاب نمی‌شود] الله تعالی آن را برای ما ذخیره می‌فرماید تا به جای آن در آخرت به ما پاداش دو چندان در اعلی مرتبت بدهد (1).

(1) این ماجرا را شیخ / خالد السلطان، بیان داشته است.

نانوا و استغفار⁽¹⁾

این ماجرا در زمان امام أحمد بن حنبل رحمه الله به وقوع پیوست. امام احمد خواست تا شب را در مسجد سپری کند، ولی به علت جلوگیری نگهبان مسجد از آن از شب نشینی در مسجد منع شد. امام سعی نمود ولی موفق نشد. امام به او گفت: در جای پای خود خواهم خوابید و امام أحمد بن حنبل در محل پاهایش خوابید. نگهبان مسجد او را مجبور نمود تا از مسجد خارج شود. امام احمد شیخی باوقار بود و در او آثار صلاح و تقوا وجود داشت. نانواپی او را دید و وقتی حالت او را این گونه یافت، از او خواست تا شب نشینی کند. امام أحمد بن حنبل همراه نانوا رفت. نانوا سعی نمود تا خمیری برای نان درست کردن آماده کند. امام أحمد بن حنبل از نانوا شنید که طلب استغفار می نمود و مدت زیادی گذشت و زمان زیادی طول کشید و او در این حالت باقی ماند. امام أحمد بن حنبل تعجب نمود. وقتی صبح شد امام احمد از نانوا دربارهی طلب استغفار وی در شب سوال نمود. نانوا جواب داد: زمان درست کردن خمیر طول می کشد و او [در آن زمان] طلب استغفار می نماید.

امام أحمد از او سوال نمود: آیا در استغفار ثمره‌ای دیده‌ای؟ امام أحمد از نانوا این سوال را پرسید و این در حالی است که او ثمرات استغفار را می دانست و همچنین از فضیلت استغفار و فایده‌های آن آگاه بود.

نانوا گفت: بله، قسم به الله! دعایی نمی کنم مگر آن که مستجاب می شود، مگر یک دعا.

امام أحمد گفت: و آن چیست؟

نانوا گفت: دیدن امام أحمد بن حنبل!

امام أحمد گفت: من أحمد بن حنبل هستم، قسم به الله از تو استفاده‌ی زیاد نمودم!

استغفار و زلزله⁽²⁾

در زلزله‌ی معروف پاکستان که در آن تعداد مصیبت زده‌ها به هزاران نفر می رسید، عنایت الله U بر این قرار گرفت تا این مرد را از مرگ حتمی نجات دهد.

وقتی زلزله اتفاق افتاد، او در خانه‌اش بود و غذایش را می خورد، سپس به محل خوابش رفت تا در آن استراحت کند. وقتی او در رختخوابش بود زلزله‌ی ویران کننده، صورت گرفت، اتاق به شدت شروع به ویرانی نمود، و بلکه تمامی خانه. سقف در بالای سرش شکافت یافت و او در حالتی بسیار ترسان به آن نگاه می کرد و نمی توانست از جایش تکان بخورد. پایه‌های اتاق در جلوی چشم او، شروع به ریختن نمود. او کاری ننمود و فقط شروع به استغفار نمود و می گفت: استغفر الله.. استغفر الله.. دائم آن را تکرار می نمود. سقف شروع به ریختن کرد. تمامی این اتفاقات در مدت بسیار کوتاهی بود که به اندازه‌ی چند دقیقه طول کشید و خواست الله U برای این مرد این گونه بود که نجات یابد. او درباره‌ی خودش می گفت: در واقع سقف از قسمت ضخیم بتون آرمه شروع به ریختن

(1) این ماجرا را استاد/ عمرو خالد بیان داشته است.

(2) این ماجرا را ا.د/ مبشر کمال الاستشاری در بیمارستان الحرس الوطنی برایم بیان داشت.

نمود، ولی - شکر الله تعالى - اجزای آن بر تمام نقاط اتاق ریخت، مگر جایی که من در آنجا بودم، در نتیجه ایستادم و به سرعت خارج شدم و الله U را شکر نمودم.

گفتم: رسول الله ﷺ صادقانه فرموده است: «مَنْ لَزِمَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ فَرْجٍ وَمِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»¹ (کسی که به طلب استغفار دوام دهد، الله [تعالی] برای هر مشکل او گشایشی قرار می‌دهد و برای هر تنگی محل خروجی قرار می‌دهد و به او از جایی روزی می‌دهد که به حساب نمی‌آورد).

¹ - سنن ابوداود 1520؛ سنن ابن ماجه 3819. (مترجم)

مهمترین مراجع

- (1) القرآن الکریم.
- (2) تفسیر ابن کثیر.
- (3) تفسیر القرطبی.
- (4) مفاتیح الرزق: د. فضل إلهی. [این کتاب توسط انتشارات زانکو در دست چاپ می باشد].
- (5) إحياء علوم الدين، أبو حامد الغزالي.
- (6) خطب المنابر، الشيخ الفوزان.
- (7) رياض الصالحين، النووي.
- (8) مواقع إسلامية الشيخ خالد السلطان، عمرو خالد.
- (9) بيوت مطمئنة، د. ناصر العمر